

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شهر رمضان المبارك انزل في ليلة القدر



روز اول ماه مبارک رمضان

● در باب ورود به ضیافت الهی

استاد محترم سرکار خانم پرویز جردی

۶ اردیبهشت ۱۳۹۹

نسخه موبایلی در ۳۳ صفحه



مکتب امام رضا علیه السلام

Emamraoof.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا

اللَّهُ»^۱

عاجزانه خدای سبحان را سپاسگزاریم که در ضیافتی خاص اذن دخول برای یکایک ما صادر فرمود و قبل از اذن ورود، دعوت حضرت حق شامل حال یکایک ما شد.

«دُعَيْتُمْ إِلَى ضِيَاْفَةِ اللَّهِ»^۲

^۱سوره مبارکه اعراف، آیه ۴۳

^۲زادالمعاد، ص ۷۲

دعوت به ضیافت ملوکانه‌ای که در این ضیافت نه حقیقتاً میزبان قابل شناسایی است و نه حقیقت پذیرایی که از مهمان صورت می‌پذیرد در عالم ماده بر ما معلوم می‌شود.

ضیافتی که هر لحظه عنایت خاصی را از ناحیه میزبان می‌توان دریافت کرد، عنایت و لطفی که با لحظه سابق خویش متفاوت است، ضیافتی که در آن جایگاهی نصیب میزبان می‌شود که هرگز در مخیله او نیز این جایگاه قابل تصور نبوده است، ضیافتی که نه تنها مهمان نقداً پذیرایی می‌شود بلکه توشه سال خویش را نیز دریافت نموده و همچنین توشه عمر خود را کسب کرده و شاید در حقیقت توشه تا قیامت خویش را دریافت نموده است، ضیافتی که شاید از مصادیق

«مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ»^۳ باشد،

ضیافتی که نور این ضیافت مهمان را از خاک به افلاک رسانده و

سرعت سیر او را از ملائک افزون می‌نماید، ضیافتی که رفاقت با اولیاء

در این ضیافت نصیب انسان شده و ذکر زیر لب انسان این عبارت است

«یا نعم الرفیق».

ضیافتی معراجی، که اصل پذیرایی در این ضیافت با کلام حق صورت

می‌گیرد یعنی مهمان آن چنان لیاقتی پیدا نموده که کلیم‌الله گردیده

است، از او در کوه طوری با کلام نورانی حق پذیرایی‌های عجیب و

غریبی به عمل آمده و مهمتر آنکه نه تنها استماع کلام حق، نه تنها

^۳ صحیفه الامام الرضا علیه السلام، ص ۹۲

فهم کلام حق، نه تنها تدبیر در کلام حق، بلکه فرود آمدن کلام حق بر اعماق جان و دل مهمان از رهاوردهای این ضیافت است.

خلاصه ضیافت ضیافتی است وصفناشدنی و هر یک از ما در طول سال مشتاق این ضیافت بوده، از ماه رجب شدت اشتیاقمان افزون شده و در آغاز ماه رمضان کامروا گشته‌ایم. شاید ندای «قَدْ أَفْلَحَ» در آغاز این ضیافت برای همه دعوت شوندگان سرداده شود.

نمی‌توانیم بگوییم:

من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب

مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند^۴

^۴ حافظ

نه! مستحق نبودیم، این ضیافت فقط جلوه فضل الهی است و لا غیر.
هرگز از ناحیه خویش شایستگی ورود به این ضیافت را نداشتیم، تنها
و تنها:

برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر

وہ کہ با خرمن مجنون دل افکار چه کرد^۵

گرچه مثل همیشه اعتراف می کنیم که این ضیافت و ورود در این آن
را مدیون قطب عالم امکان، وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله
فرجه شریف می باشیم:

من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد^۶

ضیافتی که سلامت کل سال ما از طریق آن ظهور می نماید. این عرض بنده مضمون فرمایش حضرت امام صادق علیه السلام که فرمودند: «اگر ماه رمضان سالم باشد تمام سال سالم است.» زیباتر این که به ما اجازه داده شده است در این ضیافت نهایت تلاش را داشته باشیم، شما خود واقف هستید که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: «إِنَّا قَوْمٌ لَا نَسْتَخْدِمُ أَضْيَافَنَا»^۷؛ «ما خاندانی هستیم که مهمانان های خویش را به خدمت نمی گماریم و از آنان طلب خدمت

^۶ علامه طباطبایی (ره)

^۷ کافی، ج ۶، ص ۲۸۳

نمی‌کنیم.» اما اگر در این ضیافت به بنده و شما اجازه خدمت داده می‌شود به نوعی مهمان، صاحب‌خانه شده است، به نوعی مهمان مقیم درگاه این بیت گردیده است که از او این چنین میزان تلاشی درخواست شده و به او اجازه این حد خدمت در محضر مولا داده می‌شود.

در ماهی ورود پیدا کرده‌ایم که در میان دوازده ماه سال فقط نام این ماه در قرآن ذکر گردیده است:

«شَهْرُ رَمَازَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۱

^۱سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۵

در ماهی حضور پیدا کرده ایم که اگر فردی حتی در گفتار، این ماه را با عظمت یاد ننماید باید کفاره بپردازد؛ یعنی اگر بگوید «رمضان» و نگوید «ماه رمضان».

مرحوم سید بن طاووس از قول حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در سلسله سندی که به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رسد می‌گوید: هنگام تلفظ ماهِ رمضان نگوئید: رمضان، چون نمی‌دانید که رمضان چیست بلکه اگر کسی چنین بگوید باید به عنوان کفاره این سخن، صدقه پرداخته و روزه بگیرد. اگر ذکر ماه رمضان بدون تعظیم، به نحوی جسارت و گستاخی محسوب شده که کفاره‌ای برای پوشش این جرم لازم است، پس بی‌حرمتی به میزبان حقیقی در این ماه و

غفلت از عطایای این ماه تا چه میزان جسارت محسوب شده و چقدر کفاره باید پرداخت شود تا این جسارت و غفلت از پرونده عمل ما محو گردد؟

در ماهی وارد شده‌ایم که گاه از طریق غفلت ما، به ماه آسیب وارد می‌شود اما عزیزان! برای این که از غفلت در این ماه محفوظ مانده و نگران عدم رعایت آداب در این ماه نباشیم مثل همه زمان‌های خاص به یکایک ما دستور زیارت حضرت اباعبدالله علیه‌السلام داده شده است. تا ایشان پدري تک تک ما را به عهده گرفته و با عنایت کریمانه خویش توجه لازم این ضیافت را در لحظه لحظه این مهمانی بر یکایک ما وارد نماید.

پس امروز جا دارد هر یک از ما بگوییم:

امروز سلیمانم کانگشتری ام دادی^۹

با ورود در این ضیافت ملک سلیمانی نصیب بنده گردیده است که عرصه این سلطنت قابل توصیف نیست، زیرا میزبان همه دارایی خویش را در اختیار مهمان قرار می‌دهد. معنای «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»^{۱۰} را در این ضیافت ادراک می‌کنیم، به همین جهت مرحوم سید بن طاووس، یکی از آداب این ضیافت را نماز شکری می‌داند که در اولین روز این ضیافت مستحب است مهمان انجام داده و خود را از خطرات احتمالی این ضیافت مصون نموده و

^۹ مولوی

^{۱۰} سوره مبارکه جاثیه، آیه ۱۳

خلعت لازم را، یا خلعت‌های خاص را در روز اول ضیافت از میزبان دریافت نماید.

ضیافتی است که نمی‌توان با هر جامه‌ای در آن وارد شد، میزبان شخصا در بدو ورود خلعت خاص را به مهمان عطا می‌نماید و به نظر بنده نه یک خلعت، که هر ساعتی خلعتی به مهمان عطا می‌شود.

خلاصه در این ضیافت می‌توانیم هر یک از ما زیر لب زمزمه کنیم:

من که امروزم بهشت وصل حاصل می‌شود

وعده فردای زاهد را چرا باور کنم^{۱۱}

^{۱۱} حافظ

به همین جهت یکی از مهمترین آداب این ضیافت: نشاط، اقبال، فرح، شادمانی و شرح صدر است، هر یک از این امور در حدی بسیار گسترده در مهمان باید ملاحظه شود، شاید بتوان گفت شکر عملی این ضیافت همین سرور حضور است.

اگر در هر شب ضیافت به من و شما دستور داده شده است که در نماز مستحب سوره مبارکه فتح را بخوانیم به این دلیل است که با حضور در این ضیافت فتح المبین زندگی یکایک ما محقق گردیده است، دیگر نمی‌گوییم :

**بود که آیا در میکده‌ها بگشایند
گره از کار فرو بسته ما بگشایند^{۱۲}**

^{۱۲} حافظ

زیرا:

در گشاده است و صلا در داده خوان انداخته^{۱۳}

به همین جهت برای به کارگیری آداب در سال‌های گذشته هم اشاره کردم: مرحوم سید بن طاووس توصیه می‌کند برای هر شبانه روز سالی که در پیش داریم یک گرده نان صدقه دهیم، حال یا خود نان یا قیمت نان. یعنی پیشاپیش سلامت سال‌مان را تأمین نموده و خواهان رفع موانع حضور می‌گردیم.

ضیافتی که روزهای آن اعمال جداگانه داشته و شب، عبادات خاص خویش را دارد. اما امر مهم این است که سال عبادی ما به نحوی آغاز

^{۱۳} آیت الله حسن‌زاده آملی حفظه‌الله

می‌گردد که در نهایت تلاش است و به دل خویش وعده می‌دهیم: «سالی که نکوست از بهارش پیداست.» توفیق انجام عبادات مختلفی را داریم. یعنی این لطف نصیب سالک گشته که سال او با سخت کوشی آغاز شود. یعنی امیدوار است این جریان در کل سال او جاری بوده و زندگی روزمره او «جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»^{۱۴} گردد.

ضيافت ضیافتی است که مهمان می‌تواند از درهای متعدد وارد شود. به فرموده سید بن طاووس در کتاب اقبال: این مهمان‌خانه درهای ورودی فراوانی دارد اما مهمان باید توجه داشته باشد از در غفلت وارد

^{۱۴} سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵

نشود. ضیافت، ضیافتی است که حتی عاصیان و مجرمان هم می‌توانند تغییر نام داده و به عنوان تائبان و مطیعان حضور پیدا نمایند. ممکن است به ناگاه عقب‌ماندگان در این ضیافت چنان سرعت سیری نصیب‌شان شود که یک شب آنان به اندازه طول یک عمر مفید، برکت داشته باشد. اما مهم این است که باور کنیم در ضیافت حضور داریم، مهمان نباید در این ضیافت دغدغه هیچ امری را داشته باشد الا حضور، زیرا میزبان این ضیافت با وساطت اولیاء همه امور مادی و معنوی مهمان را تدارک دیده است. مهمان تنها توجه داشته باشد که با عنایت حق در مهمانی متفاوتی حضور پیدا کرده است، در این ضیافت «أینَ أینَ» نمی‌گویید، زیرا هر آن کس را که طالب ملاقاتش

بودید حاضر می‌یابید، وعده‌گاه بین شما و انبیاء و شهداء و اولیاء و اوصیاء و ابرار عالم، میقاتی بین شما و امام حاضر ناظران، همین ضیافت است، ضیافتی که:

گفتم به کام وصلت خواهم رسید روزی؟

گفته که نیک بنگر شاید رسیده باشی^{۱۵}

از حافظ اجازه می‌گیرم و عرض می‌کنم: «قطعاً» رسیده باشی نه «شاید» رسیده باشی. فقط نیک بنگر، به همین جهت از نگاه بنده در این ضیافت «چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید»، شاید به همین دلیل است که در آغاز ضیافت، زیارت حضرت اباعبدالله علیه

^{۱۵} حافظ

السلام وارد است. تطهیر چشمان با وساطت حضرت صورت می‌گیرد
آنگاه متوجه می‌شویم که سالک، واصل شده است و صدای «قَدْ أَفْلَحَ
الْمُؤْمِنُونَ»^{۱۶} بلند می‌گردد. در این ضیافت شاید برای ورود تطهیر
خاصی در قالب توبه لازم است، البته برای این که این امر به نظر ما
سخت نیاید، و برای دریافت تسهیلات به نظر بنده باید سلامی به حُر
داده و از او خواهش کنیم همچنان که خود توفیق توبه نصیبش شد
برای یکایک ما دعا نماید تا توبه‌ای صادقانه و خالصانه داشته و از حظ
کامل این ضیافت بهره‌مند گردیم.

^{۱۶} مومنون/۱

ضیافت ضیافت عشق است، ضیافتی که هرگز از شعله عاشقی مهمان،
کاسته نشده و به تعبیر بعضی از ادعیه ورود به سال در ماه رمضان،
زبان حال مهمان این است:

«سَيِّدِي أَنَا مِنْ حُبِّكَ جَائِعٌ لَا أَشْبَعُ أَنَا مِنْ حُبِّكَ ظَمَّآنٌ لَا
أَرُوِي... يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْهِ يَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَادَ بِهِ وَانْقَطَعَ
إِلَيْهِ»^{۱۷}

این دعا در اقبال سه جلدی سید بن طاووس جلد اول، صفحه ۱۶۳
در پایان صفحه مشاهده می‌شود.

^{۱۷} اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۶

ضيافت ضيافت متفاوتی است، تنها نگرانی مهمان این است که موانع حضور بر او عارض شده و نتواند درک کاملی از ضیافت داشته باشد. موانع حضور همان چیزی است که در دعاهای ماه رمضان از خدای سبحان طلب می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ النَّعَاسَ وَ الْكَسَلَ وَ السَّامَةَ وَ الْفِتْرَةَ وَ

الْقَسْوَةَ وَ الْغَفْلَةَ وَ الْغِرَّةَ»

مانع حضور همان چیزی است که درخواست می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي فِيهِ الْعِلَّ وَ الْأَسْقَامَ وَ الْهُمُومَ وَ الْأَحْزَانَ وَ

الْأَعْرَاضَ وَ الْأَمْرَاضَ ... وَ التَّعَبَ وَ الْعَنَاءَ»^{۱۸}

^{۱۸} کافی، ج ۴، ص ۷۵

البته عرض کردم گرچه نگران عارض شدن موانع هستیم، اما باید همچون کودکی که خود را در آغوش پدر می‌افکند، از واسطه‌های فیض در این ماه کمک گرفته در کهف ولایت آنان جای گرفته تا از انواع موانع دور بمانیم.

این ضیافت پذیرایی‌های متعددی دارد: گاه از طریق صوم، ضیافت برگزار شده و کف نفسی از مهمان به حول و قوه الهی به عمل آمده و او مهیمن و مسلط بر نفس خویش گشته و همان عدو چموش گریزپا را آن چنان اسیر و رام نموده که نه تنها به عنوان نفس اماره باقی نمی‌ماند بلکه از نفس لوآمه نیز گذر نموده و به مرحله نفس

مطمئنانه راه یافته و صدای «ارْجِعِ إِلَى رَبِّكَ»^{۱۹} را شنیده است؛ رجوعی که در این رجوع هم میزبان، از ورود مهمان حسن حال دارد و راضی است (طبق بحثی که ابن سینا در ذیل این عبارت داشت: «اللَّهُمَّ غَيْرُ سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ»^{۲۰} که خدا هم خوشحال می‌شود و ابن سینا گفت خدا حسن حال دارد)، و هم مهمان نه تنها راضی از حق بوده که مرضی است یعنی مورد پسند میزبان واقع شده است. شاید زبان حال مهمان در این ضیافت این باشد:

مژده بده مژده بده یار پسندید مرا

^{۱۹}سوره مبارکه فجر، آیه ۲۸

^{۲۰}البلد الامین، ص ۲۲۳

برای صوم باید به آداب خاص صوم توجه نموده و جهت پذیراییِ دیگر میزبان، که تلاوت قرآن است، آداب خاص تلاوت را به کار گرفت که هر میزان به کارگیری آداب بیشتر باشد قرب بیشتری نصیب مهمان می‌شود. البته به کارگیری آداب نباید موجب تکلف مهمان شده، بلکه آداب را عاشقانه به جای آورد:

موسیا آداب دانان دیگرند

سوخته جان و روانان دیگرند^{۲۱}

و هرچقدر ادب بیشتر باشد قرب بیشتری نصیب مهمان می‌گردد که مؤدبین، مقربین اند.

^{۲۱}مولوی

به همین جهت است در یکی از دعاهاى رویت هلال ماه رمضان از
خدای سبحان درخواست می‌کنیم:

«وَ اكْفِنَا بِالْقَلِيلِ مِنَ النَّوْمِ وَ الْمُسَارَعَةِ فِي مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى»^{۲۲}

و در خواست می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ مَا قَسَمْتَ فِيهِ مِنْ رِزْقٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ فَضْلٍ أَوْ

مَغْفِرَةٍ أَوْ رَحْمَةٍ فَاجْعَلْ نَصِيبَنَا فِيهِ الْأَكْبَرَ وَ حَظَّنَا فِيهِ الْأَوْفَرَ»^{۲۳}

یعنی اگر می‌خواهید بیشترین میزان ادب را به کار بگیرید باید خود
طلب کنید که از همه امور بیشترین سهمیه به شما داده شود؛ یعنی

^{۲۲} اقبال ج ۱ ص ۱۹

^{۲۳} همان

در ماه رمضان به خیر اندک قناعت نکنید، به مغفرت یا رحمت اندک بسنده ننمایید، بلکه بیشترین خیرات، برکات و رحمت، باید درخواست شود. نگوئید من قابلیت این همه خیرات را ندارم. که بارها عرض کردم: شرط قابلیت داد او است. ظرف را نیز خود می‌دهد. اصلاً در اولین روز باید خودمان کاسه‌های خود را بشکنیم؛ زیرا ظرف ما کوچک است و آن همه عطای گسترده در این ظرف کوچک جای نمی‌گیرد، و شاید شکستن ظرف در همان زیارت اباعبدالله علیه‌السلام است، تا زائر اعلام فنا نموده و میزبان ظرفی نه در خور مهمان بلکه در خور کرامت خود به مهمان عطا می‌نماید. پس نگران عدم قابلیت خویش نباشید فقط خود را بشکنید و برای خود وجودی قائل نشوید،

همین شکستن است که فرح و انبساط و سرور در مهمان ایجاد می‌کند و اگر شما در طول ضیافت افرادی را می‌بینید که علی‌رغم حضور در این مهمانی، سرور خاصی ندارند به دلیل آن است که ظرف‌شان تنگ و کوچک بوده و هنوز گرفتار این ظرف تنگ هستند. پس شاید عافیتی هم که در هنگام رؤیت هلال و هم در هنگام شب قدر به عنوان مهمترین دعا به ما توصیه شده است شکستن خود و دریافت ظرف است که عظمت میزبان در آن به نمایش گذاشته می‌شود. به همین جهت در این ضیافت، در بدو ورود، درخواست رزق واسع حسن و عافیت مجلله می‌نمایید، یعنی رزقی که همه لایه‌های نیاز شما را تأمین نموده و عافیت گسترده‌ای که تا قیامت سلامت

کامل را نصیب‌تان نموده و شما را مخاطب به خطاب «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ
آمِنین»^{۲۴} نماید.

جالب اینجا است که یکی از آداب این ضیافت توجه به دیگر مهمانان
است. این توجه مانع حضور نیست. دیگر مهمانان حائل و حاجبی بین
ما و میزبان نیستند. این توجه از طریق دادن افطار به سایر مهمانان
این ضیافت محقق می‌شود. مرحوم سید بن طاووس می‌گوید با اطعام
به سایر میزبانان همه عباداتی که در پیکره آنان جریان می‌نماید، گویا
به نام تو ثبت می‌گردد، و در دیوان طاعت تو نوشته می‌شود و در این
صورت در حالی که خود آرام نشستهای، آنان سختی‌ها را به جهت تو

^{۲۴} سوره مبارکه حجر، آیه ۴۶

تأمل می‌نمایند و توشه تو را برای سرای آخرت بر دوش گرفته‌اند.
پس نگرش ما در این ضیافت متفاوت می‌گردد. مهمانان را کثراتی
نمی‌بینیم که با توجه به آنان غفلتی بر ما عارض شود. بلکه در هر
مهمانی جلوه‌گری میزبان را دیده و همان گونه که عاشقانه در خدمت
میزبان قرار می‌گیریم عاشقانه به مهمانان این ضیافت نیز خدمت
می‌نماییم. شما می‌توانید به راحتی در هر شب، فرزندی از فرزندان
اسماعیل را، با دادن خرمایی آزاد نمایید. اگر محاسبه کنیم قیمت هر
برده با توجه به این که نصف قیمت انسان آزاده است مثلاً در زمان
فعلی ما حدود ۱۵۰ میلیون تومان است و این همه با دادن یک افطار
و اطعام به مهمانان خدای سبحان جلوه‌گر می‌شود؛ یعنی از زاویه‌ای

دیگر عمل اندک ما در این ضیافت در چشم میزبان بسیار گرانقدر
شمرده می‌شود؛ «يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ»^{۲۵} جالب اینجا
است که امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: افطاری دادن تو به برادر
دینی‌ات از روزه خود تو برتر است. یعنی اگر به میزان تحول و تقرّبی
که روزه در وجود صائم ایجاد می‌کند توجه نماییم، افطاری دادن به
روزه‌دار میزان قرب را افزون می‌کند و جالب اینجا است که ابداً در
این زمینه تصریح به این معنا نشده که دعوت‌شدگان در افطاری باید
حتماً مستحق باشند؛ یعنی در این ضیافت همه را فقط به این دید

^{۲۵} امالی مفید، ص ۲۸۸

ملاحظه نمایید که مهمان حق اند و استحقاق دریافت افطار شما به آنان عطا شده است.

آداب این مهمانی بسیار زیاد است و وقت ما تمام، چند گروه صائم را قرار بود خدمت‌تان عرض کنم که ظاهراً نمی‌رسم ولی به یک نکته باید اشاره کنم.

در «جلد ۹۴ بحارالانوار صفحه ۳۴۸» مرحوم مجلسی با صراحت ذکر می‌کند که اولاً باید در این مهمانی حامی داشته باشید که آن حامی پناهگاه شما بوده، توجه لازم را به شما نموده تا کامل‌ترین بهره‌مندی را از این ضیافت داشته باشید و آن حامی متولی تکمیل نقائص شما می‌گردد و آن حامی از صدر تا ذیل ضیافت را متکفل

شده تا محرومیتی در این مهمانی نصیب شما نگردد. به همین جهت باید مهمان به حامی پناهنده شده و بداند آن خفیر و حامی، قیّم عمر او است و مایحتاج او را در این ضیافت به اذن حق عهده‌دار می‌شود. پس مهمان گاه و ناگاه باید حامی را دعا نماید به همین جهت خواندن «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ» در قلب این ماه، در شب قدر بسیار توصیه شده است گرچه در طول این ماه نیز این توجه به شدت لازم است. یقین داشته باشید هر زمان که به حامی دعا نمایید، حامی نیز کریمانه شما را دعا می‌نماید تا در زمره برترین مهمانان این ضیافت قرار گیرید. هر زمان دست‌تان به دامن این حامی می‌رسد، از خود سؤال کنید با دعای چه کسی این توفیق نصیب من گشته است؟

من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم

لطف ها می کنی ای خاک درت تاج سرم^{۲۶}

خلاصه دوستان و همراهان رضائی، قافله‌ای در راه است که گرچه همه در جستجوی مسجد سهله و جمکران هستند، اما گویا مسجد سهله و جمکران در خانه خود شما تعیین پیدا نموده است، گرچه همه در این ضیافت گاه و بی‌گاه می‌خواهند دور کعبه شش گوشه طواف نموده و زیرقبه‌ای قرار گیرند که اجابت در تحت آن قطعی است اما بنده می‌گویم میزبان راه را برای همه مهمان‌ها نزدیک نموده است:

بُعد منزل نبود در سفر روحانی^{۲۷}

عاجزانه از واسطه‌های فیض درخواست می‌کنیم:

دریاب عاجزی را کاو دست و پا ندارد

من معتقد هستم در روز اول این ضیافت باید دعای مشلول را خواند
و به واسطه‌ها نشان دهید که ما از پا افتاده ایم.

گفتم از پای فتادم که بگیرد دستم

عشوه ای کرد و بفرمود به یادت هستم

البته باید اشاره کنم از نگاه سید بن طاووس حامی در ماه رمضان
کسی است که ماه در روز او ظهور نموده است یعنی اگر اول ماه ما

^{۲۷} حافظ

روز شنبه است، حامی در طول ماه وجود مقدس پیامبر خاتم صلی
الله علیه و آله است.

به آداب تلاوت قرآن ان شالله در جلسه بعد می پردازیم.

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم